

این دیو، در روح ما لانه کرده اند

... روزی نیست که مأمور پست، يك بسته كوچك نامه، بخانه من نیاورد حال دیگر، طوری به مطالب این نامه عادت کرده و آشنا شده ام که پیش از مطالعه، از مضمون آنها آگاهم و می دانم که نویسندگان نامه ها با چه مسائل و مشکلاتی روبرو هستند که مرا برای حل آنها به کمک خواسته اند، اما نتیجه ای که از مجموع نامه ها بدست من می آید، این است که:

- گویی مصلحت خداست که انسان همواره، با يك سلسله مسائل و مشکلات كوچك و بزرگ، مواجه باشد، زیرا اینها در رشد و تکامل انسان مؤثر هستند و هنگامی که از آن موضوع مشکلی در زندگی خود سراغ نداشته باشد و برای حل مشکلات، نیازمند بذل کوشش و بکار انداختن نیروی فکر نباشد، رشد و تکاملش متوقف خواهد شد و بنابراین وجودش ارزشی نخواهد داشت. قطعاً فلسفه مشکلات زندگی همین است و گرنه خداوند، هر گز اجازه نمیدهد که ما از دست مشکلات، بستوه آمده، شکست بخوریم و از کاروان ترقی عقب بمانیم.

من معتقدم که: آفریدگار هستی در وجود هر انسانی قدرت مواجهه با مسائل و مشکلات را بودیمت گذارده و وظیفه ما است که خود را برای پیکار با آنها بسیج کنیم و نیروی شگرف خود را بهمین منظور بکارانندازیم. اگر گروهی از انسانها از ادامه این پیکار مقدس عاجزند و عنقریب یأس بر وجودشان چیره شده است، باید علتی داشته باشد. بررسی مضمون نامه ها ما را در کشف علت یا علل این عجز، یاری می کند.

نباید تصور کرد که علت آن فقدان هوش و استعداد یا عدم تعلیم و تربیت

صحیح است . بلکه علل آن سدها و مواعنی است که در روح آنان وجود دارد و قدرت مواجهه با مشکلات و حل آنها در وجودشان محدود یا خنثی میکند . گویی بردست و پای ایشان زنجیرهایی گران ، گذاشته شده و از هر گونه فعالیتی ، محروم شده اند .

* * *

خوشبختانه ، هنوز کسانی در جهان غرب ، پیدامی شوند که برای آنها که جسم و جانشان در بحرانهای شدید بیماریهای روانی اسیر و وامانده شده است ، فکری کنند و چاره‌ای بیندیشند و لااقل به درد، دل‌های این افراد ناتوان - که متأسفانه روز بروز هم بر تعدادشان افزوده میشود گوش کنند و برای آنها راه‌علاجی جستجو کنند .

مطالب بالا از مقاله‌ای است که بقلم یکی از نویسندگان غربی در مجله (ریدرز) منعکس شده است . در حالی که علوم و صنایع ، در راه حل مشکلات معنوی انسان ، شکستهای فاحشی خورده و انسان را بکوره راه‌هایی کشانده‌اند که سرانجام آن ، جز سقوط در دره‌های مخوف و بدبختی و فلاکت چیزی نیست ، نویسنده مذکور ، اینطور ادامه دهد :

« این زنجیرهای گران وجود محسوس ندارند ، قابل لمس و احساس نیستند و باید در سطحی روانی مورد بحث و بررسی قرار گیرند . من با مطالعه روی مبانی دینی ، برای شکستن و گشودن این زنجیرها راه‌هایی پیدا کرده‌ام . بشر ، طی قرنهای متمادی با استقبالی از دین و تن دادن بمبانی دینی ، موفقیت‌های چشمگیری نصیبش شده است . اکنون پس از تحقیقات و مطالعات دقیق ، خوشوقتم که برای انسان‌ها پیامی بفرستم و آنها را از خواب بیدار سازم . این است پیام من :

- دین دستگامی از قوانین و عقاید پوسیده نیست که از گذشته‌های فراموش شده و تاریک به‌ارث رسیده باشد . دین گنجی سرشار از بر نامه‌های سازنده‌ای است که اگر بکار بسته شوند و با اخلاص و ایمان بمعرض اجرا در آیند ، چنان روان انسان را نیرومند می‌کنند که برای مواجه شدن با سخت‌ترین و پیچیده‌ترین مشکلات و معضلات ، آمادگی و استعداد پیدا کند و هرگز دستخوش ضعف و حقارت و نگرانی نشود . »

قرآن کریم آخرین بر نامه جامع و کامل دینی است ، مردی که قرآن را از جانب خداوند آورده است ، بزرگترین نمونه دینداری است . دیگران هر چه دارند و هر چه شده‌اند ، در مکتب او آموخته و پرورش یافته‌اند .

از نظر این کتاب آسمانی ، اصولاً سختیها و مبارزات و مقاومت در راه حل مشکلات ،

مقدمه آسایش و وسیله ارتقای به کمال است . مطالعه سوره کوچک «انشراح» ، گفتار این نویسنده غربی را تایید میکند .

در این سوره ، دوبار ، با تاکید و اصرار زیاد به پیامبر خاطر نشان می‌سازد که اگر توانستی مشکلات را پشت سر بگذاری و بردشمنان پیروز گردی و بارهای گران مسؤلیت رهبری انسانها را بمنزل برسانی ، به خاطر این است که :

راحتی و پیروزی در سایه مشکلات و سختیها بدست می‌آید ؛ آری بر اثر تحمل مشکلات پیروزی میسر است !

ممکن است کسی تصور کند که بعد از تحمل زحمتهای و رسیدن بموقبت ، دیگر وقت آسایش و خاموش کردن شعله‌های فعالیت و مقاومت در برابر مشکلات نو ظهور است و اصولا دیگر مشکلی وجود ندارد که انسان بچنگ آنها برود ، ولی از نظر قرآن کریم ، این مطلب صحیح نیست . از این رو بدنبال آن می‌فرماید :

همینکه آسوده شدی ، بکوشش پرداز و به پروردگار خود امیدوار باش !

بدین ترتیب ، پرورش یافتگان مکتب دین ، دلی امیدوار و وجودی فعال دارند . دنیا در نظر آنان ، مدرسه‌ای است که هر کس در آن بیشتر بکوشد و جدی‌تر باشد ، بیشتر بکمال میرسد و با ارزشتر می‌گردد .

آری ، بشر بدنبال تکامل و موفقیت است . تلاش می‌کند که آرامش و آسایشی کسب کند و جراحات روحی را التیام بخشد . عصر ما ، عصر اضطراب و نگرانی است . برای مبارزه با آن همه جاری آورده‌اند و از هر طریقی که در آن امید موفقیت ، وجود داشته است : وارد میدان فعالیت شده‌اند .

بنظر ما راه دین ، هموارترین راه‌های موفقیت و یگانه راهی است که انسان را به سر منزل مقصود می‌رساند .

مطالعه دین و بحث از تاثیرات فردی و اجتماعی آن و روابطی که میان انسان و دین برقرار است ، مختصراً در جهان امروز ، سزاوار نیست متوقف شود .

بدون تردید ، این کار ، درخور شأن صاحب نظران است و هر کس مجاز نیست که در این میدان پرفراز و نشیب ، تاخت و تاز کند و بکاری دست برد که برای آن تخصص و آمادگی ندارد .

جهان غرب ، با همه انحطاطی که از لحاظ دین و اخلاق پیدا کرده است ! امروز خود را

برای بررسی این موضوع ، آماده کرده و از هر گونه کوششی استقبال میکند
 بررسی نشریات باهدف جهان غرب ، این مدعا را ثابت میکند .
 امروز دنیای غرب ، از لحاظ معنوی و اخلاقی احساس خلا میکند و بطور خستگی ناپذیری
 میکوشد که این خلا را دیر یازود پر کند و خود را تسلیم امواج خرد کننده مادیات نسازد .
 بدون تردید ، عوامل درهم شکننده ای روح انسانهای عصر ما را تسخیر کرده اند . هنگامی
 که آوای پیروزی بشر در فضا ، قدرتی افسانه ای را در گوش مردم جهان زمزمه میکند ، کمتر
 کسی پیدا میشود که از شر این عوامل دیو صفت ، آسوده باشد و روحش آشیانه این دشمنان
 خوشبختی و آرامش نشده باشد .
 نویسندگان دانشمند غربی ؛ با بصیرت و دلسوزی کوشش میکنند که بروان انسان آزادی
 بخشند و دیوهای مزاحم را طرد نمایند .

دکتر «نورمن ویسنت پیل» این عوامل دیو صفت و دشمن سعادت را به خوبی معرفی
 میکند و برای رهایی بشریت ، از چنگال مخوف آنها ، بهترین و مؤثرترین راه درمان را
 «دین» معرفی میکند . اینها عبارتند از :

۱ - آنجا که خود را کمتر از آنچه هستیم می نگریم !

۲ - رنجش خاطر و نتایج سوء آن .

۳ - گناه

۴ - ترس و نگرانی از آینده

ما این موضوعات را طی چند مقاله ، مورد بررسی قرار می دهیم :

